

## تأثیر پلیس بر ترس از جرم و راه‌های پیشگیری از آن

الناز اسماعیلی مند<sup>۱</sup>

دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

### چکیده

تأثیر نیروی پلیس بر افزایش یا کاهش ترس از جرم در جامعه، موضوع مهمی است که مطالعات زیادی را به دنبال داشته است. در واقع این مهم یک پدیده جامعه‌شناختی است که ارتباطات پیچیده‌ای با فرهنگ و نظام اجتماعی دارد. حضور پلیس در جامعه، به‌عنوان نماینده اجرای قوانین، تأثیرات گسترده‌ای بر ترس از جرم و امنیت فردی و اجتماعی دارد. نیروهای پلیس با ایجاد حضور فیزیکی و نظارت بر عملکرد شهروندان، افراد را از ارتکاب جرم بازداشته و ترس از پیش‌آمدهای ناخواسته را در جامعه افزایش می‌دهند. این مهم، در مناطقی که از نرخ جرم بالایی برخوردار است، می‌تواند اطمینان شهروندان را افزایش داده و آنان را از شرایط ناامن فراری دهد. از سوی دیگر، برخی رفتارها و اقدامات نادرست پلیس می‌تواند ترس از جرم را تشدید کند و به اعتماد عمومی جامعه لطمه وارد نماید. این امر می‌تواند افراد را در استفاده از حقوق و آزادی‌های خود به دلیل مداخله ناخواسته پلیس با محدودیت مواجه کند. در نهایت، تأثیرات پلیس بر ترس از جرم یک عامل پویا، پیچیده و چندوجهی است که نیاز به بررسی گسترده در دسته‌های مختلف جامعه دارد. درک عمیق از این تأثیرات می‌تواند به تدوین سیاست‌ها و راهکارهای بهبود امنیت و پیشگیری و کاهش جرم در جوامع کمک کند. این مطالعه نشان داد که با انجام تحقیقات به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، موجب درک ژرف و گسترده این گونه مسائل می‌گردد و از طریق این شیوه، می‌توان به بهبود و تعمیق در سیاست‌ها و راهکارهای پیشگیری از جرم دست‌یافت.

**واژگان کلیدی:** پلیس، ترس، امنیت فردی، ارتکاب جرم، مجازات، پیشگیری؛

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، ایران،  
elnaz310379@gmail.com

## ۱- مقدمه

در پس هر رخداد جنایی، مسئله مهمی نهفته است و با به در هم تنیدگی آن با مقوله‌ی روان‌شناختی، از دید بسیاری مغفول و پنهان می‌ماند. این مهم که دامنه‌ی آن هزاران برابر گسترده‌تر از جرم است، ترس از جرم نام دارد. ترس از جرم اگرچه روح خود را از جرم وام می‌گیرد، پدیده‌ای به‌غایت تأثیرگذار است که می‌تواند از هر حیث بر جرائم تأثیر گذارد. اگرچه پدیده‌ی ترس از جرم قابل‌رؤیت و یا شمارش نیست، اما نادیده انگاشتن آن خطای بزرگی است. واقعیت این است که بسیاری از رفتارها، سخن‌ها و افکار انسان برخاسته و یا تحت تأثیر ترس از بزه دیدگی است. واقعیتی که نه‌تنها بزه دیده و اطرافیان او، بلکه شئون مختلف جامعه را نیز متأثر می‌کند. ترس از جرم بعضاً با مفاهیمی همچون احساس ناامنی و نگرانی درباره‌ی جرم خلط می‌شود.

این در حالی است که هر یک از واکنش‌های روانی با یکدیگر متفاوت هستند. باین‌حال نقطه اشتراک این واکنش‌ها آن است که می‌توانند ابعاد مختلف و درعین‌حال حیاتی زندگی بشر را دستخوش تغییر و بعضاً نابودی قرار دهند. توجه به این پیامدها اهمیت پرداختن به این پدیده را دوچندان می‌کند. پرداختن به مقوله‌های اثرگذار بر ترس از جرم نقش مهمی در تدوین یک سیاست کلی و غیرقطعی برای کنترل ترس از جرم دارد. بی‌گمان کنترل این پدیده از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی است که باید توجه جدی به آن نمود، چون از پیامدهای ناگوار اقتصادی گرفته تا دیگر مسائل اجتماعی و سیاسی نوعاً رابطه معناداری با ترس از جرم دارند. البته راهبردها و تدابیر اتخاذی باید دقیق و تأثیرگذار باشند. به‌رحال در هم تنیدگی موضوعات و اوضاع و احوال می‌تواند بر میزان ترس از جرم تأثیرگذار باشد.

ظهور اصطلاحاتی از قبیل سیاست‌های ترس، ترس از جرم و ترس از آینده گواهی بر اهمیت ترس در دنیای کنونی است. ترس و نگرانی از جرم و بزه دیدگی یکی از ترس‌هایی است که امروزه بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ به‌نوعی با آن درگیرند و بر کیفیت زندگی و سلوک و رفتار اجتماعی آنان تأثیر فراوانی بر جای می‌گذارد. مردم به شیوه‌های متفاوتی به ترس از جرم واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها ممکن است از حضور در مکان‌های معین و در زمان‌های ویژه اجتناب کنند، تجهیزات پیشگیری از جرم خریداری نمایند، گروه‌هایی علیه جرم و یا به‌منظور دفاع از خود تشکیل دهند،

فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی‌شان را تغییر دهند و یا از مشارکت در زندگی اجتماعی کناره‌گیری کنند. سید زاده (۱۳۸۷) در مطالعه خود دریافت که ترس از جرم احساسی ناشی از ترس از صدمات فیزیکی است و این احساس برخاسته از نشانه‌های جرم محوری هست که به تصور فرد در محیط پیرامونی او وجود دارد.

مهم‌ترین دلیل مطرح‌شدن مفهوم ترس از جرم فاصله میان میزان خطر واقعی بزه دیدگی و درک مردم از احتمال بزه دیدگی است. ترس از جرم سنخیتی با میزان واقعی جرائم ندارد. غلامرضا غفاری (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بحث ترس از جرم پرداخت. به عقیده وی سرمایه اجتماعی می‌تواند نگرش مثبتی نسبت به سازمان‌های مجری قانون در ذهن افراد ایجاد نماید؛ زیرا عملکرد پلیس و سایر نهادها درجایی که شبکه‌ها قوی هستند و سطوح همبستگی هنجاری بالاست، مؤثرتر است. او با بررسی انواع مختلف سرمایه اجتماعی، گسترش سرمایه اجتماعی عام گرایانه و کاهش سرمایه اجتماعی خاص گرایانه را علت کاهش جرم می‌داند و این موضوع می‌تواند به کاهش میزان ترس از جرم بیانجامد.

درجایی دیگر دلاور (۱۳۸۴) در پژوهش پیمایشی با نمونه‌ای ۳۱۰۰ نفر از مراکز استان‌های کشور، احساس امنیت را با ابعاد جانی، اقتصادی، نوامیس و اجتماعی بررسی نمود. بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به امنیت اجتماعی (۴۲ درصد) و کمترین آن مربوط به امنیت جانی (۱۴ درصد) بود. متغیرهای دموگرافیک جنسیت، سن، وضع تأهل با احساس امنیت رابطه داشتند. لذا با توجه به آنچه بیان شد و با در نظرگیری اهمیت موضوع در جامعه، هدف از مطالعه پیش رو بررسی عوامل مؤثر بر ترس از جرم و راه‌های پیشگیری از آن است.

## ۲- اهمیت ترس از جرم

عده‌ای درصدد آن هستند که اهمیت ناچیزی برای ترس از جرم قائل شوند. آن‌ها دلایل ذیل را برای این مهم عنوان نموده‌اند:

- ترس از جرم از دوام کمی برخوردار است و مفهومی بسیار مبهم و مشکلی کاملاً نامحسوس جهت مدنظر قرار گرفتن است؛

- ترس از جرم یک ابزار سیاسی است که سیاسیون و پلیس نگرانی افراد را با توجه به اهدافی که دارند، دست‌کاری می‌کنند؛
  - کاهش ترس از جرم امری خطرناک است، افرادی که احساس امنیت برایشان مهیا می‌شود، ممکن است سیستم‌های دفاعی خود را از کار بیندازند و دست به رفتارهایی پرخطرتر بزنند که این خود باعث مستعد شدن افراد در برابر جرائم می‌گردد؛
  - کاهش ترس از جرم منجر به از بین رفتن منابع می‌گردد. دولت‌ها بایستی وقت و هزینه خود را صرف کاهش جرائم کنند که می‌تواند مهم‌تر از ترس از جرم باشد؛
  - راه کاهش ترس، کاهش جرائم است. شاید عنوان شود که ترس از جرم از خود جرم مهم‌تر است، اما آن فقط بازتابی از جرائم واقعی است، بنابراین، ترس از جرم متضمن توجه هدفمند و خاصی نیست (Cordner, op.cit.4 and 5).
- در پاسخ به این استدلال‌ها باید عنوان شود که ترس از جرم تنها یک احساس نیست، بلکه یک واقعیت است که بازنگری انسان‌ها گره خوره است و آثار مخربی بر سیاست، اقتصاد، زندگی اجتماعی و سیاست جنایی کشورها دارد. ترس پدیده مزاحم، پیچیده و تودرتویی است که از دوران کودکی با افراد است. ترس مانع از لذت بردن از زندگی، سلامت و خلاقیت آرامش خاطر می‌شود (سام، ۱۳۸۶، ص ۶۵).
- اعلامیه نهایی اجلاس اروپایی و آمریکای شمالی درباره امنیت و پیشگیری از بزهکاری در محیط شهری که در اکتبر ۱۹۸۹ میلادی در مونترال کانادا برگزار شد، در خصوص ترس از بزهکاری اعلام کرد: «ترس از بزهکاری مشکلی برای شهروندان به‌ویژه زنان و افراد سالخورده به شمار می‌آید، این مسئله مشکلی واقعی است. باین‌حال، در بسیاری از موارد، این ترس با سطح واقعی ناامنی نامتناسب است؟» (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴، صص ۱۶-۱۵).
- افزایش ترس از جرم در حوزه اقتصادی و مالی تأثیر بسیار زیادی دارد، به‌نحوی که باعث توسعه بازار امنیت خصوصی (حفاظت از اشخاص، نظارت تلویزیونی-ویدئویی، انواع پلیس خصوصی در بانک‌ها، مؤسسات مالی، فروشگاه‌ها، نگهبان و ...)

شده است. در گزارش حال کرس<sup>۱</sup> در ایالات متحده آمریکا سهم بخش تجاری امنیت خصوصی، در مقایسه با کل مبلغ هزینه‌های مرتبط با حفظ نظم توسعه واحدهای دولتی در سال ۱۹۹۰ بالغ بر سی میلیارد دلار برآورد شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، صص ۸۱-۸۲).

ترس از جرم بر سیاست به‌طور عام و سیاست جنایی کشورها به‌طور خاص تأثیر بسزایی دارد. سیاسیون غالباً از پدیده ترس از جرم برای رسیدن به اهداف خود در انتخابات استفاده می‌نمایند، بدین‌صورت که برخی از آن‌ها از مشکلاتی که به‌وسیله رسانه‌ها انعکاس داده می‌شود و اصولاً این مشکلات واقعی نیستند، برای توجیه شعارها و سخنان خود استفاده می‌نمایند (نیکوکار و همت پور، ۱۳۹۱، ص ۵۴)؛ همچنین ترس از جرم در حیطه سیاست جنایی کشورها نقش بسزایی ایفا می‌نماید، به‌عنوان نمونه در کشورهایی که سیاست عمومی و اجتماعی و به‌طور خاص سیاست‌های کیفی به اعتبار مبنای دموکراتیک دولت‌هایشان تحت تأثیر مستقیم افکار عمومی قرار دارند، همواره کوشش می‌شود که سیاست‌های موردنظر در موافقت با افکار عمومی و یا برای شکل‌دهی به آن شکل بگیرند (محمودی جانکی و مرادی حسن‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶).

افزایش ترس از جرم در میان مردم می‌تواند سبب عوام‌گرایی کیفی<sup>۲</sup> شود و همچنین اینکه مردم بیشتر خواستار مجازات سنگین گردند و در نتیجه منجر به افزایش سزا‌گرایی<sup>۳</sup> در میان افراد شود (محمودی جانکی و مرادی حسن‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶).

ترس از جرم تأثیر قابل‌توجهی بر کیفیت زندگی دارد. ترس از جرم می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای افراد داشته باشد و احساس بی‌اعتمادی، عدم امنیت و آسیب‌پذیری را در افراد ایجاد می‌نماید، البته تأثیر ترس از جرم تنها به سطح فردی محدود نشده و در سطح اجتماعی نیز پیامدهای منفی به دنبال دارد. ترس از جرم می‌تواند اجتماعات را تجزیه کند و توان مقابله اثربخش با فعالیت‌های مجرمانه را

<sup>۱</sup>. Hallcrest

<sup>۲</sup>. Penal Populism

<sup>۳</sup>. Punitiveness

کاهش دهد و اشاعه ترس از جرم منجر به رفتارهایی می‌شود که برهم زننده کل اجتماع است (احمدی، سروش و افراسیابی، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

همچنین ترس از جرم ارتباط تنگاتنگی با بحث پیشگیری از جرم دارد؛ به‌گونه‌ای که سازمان ملل در پاراگراف سوم رهنمود پیشگیری از جرم، در تعریفی که برای پیشگیری از جرم آورده، عنوان کرده که پیشگیری از جرم مجموعه اقدامات و راهبردهایی است که به‌منظور کاستن از خطر ارتکاب و تأثیرات بالقوه زیان‌بار جرائم بر افراد و جامعه از جمله ترس از جرم انجام می‌گیرد و از طریق مداخله و یا تأثیر عوامل ایجادکننده جرائم به انجام می‌رسد (جوان جعفری و سید زاده ثانی، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

### ۳- عوامل مؤثر بر ایجاد ترس از جرم

عوامل ایجادکننده ترس را می‌توان از دو منظر عوامل فردی و عوامل اجتماعی موردبررسی قرارداد. عوامل فردی عواملی مانند جنسیت، روابط افراد با یکدیگر و تجربه قبلی بزه دیدگی از این نوع هستند. برخی از این عوامل به وضعیت جامعه و آماج جرم برمی‌گردد. عوامل اجتماعی نیز مانند نحوه طراحی محیط، بی‌نظمی موجود در جامعه و یا رسانه‌ها است.

#### ۳-۱- عوامل فردی

##### الف: جنسیت

ترس از جرم در بین همه گروه‌های اجتماعی وجود دارد ولی پیامدها و آسیب‌های ترس از جرائم برای همه گروه‌های اجتماعی به یک اندازه نیست. برخی از گروه‌های اجتماعی به‌ویژه زنان، بنا به برخی ویژگی‌های روحی، روان‌شناختی، فیزیولوژی، مشاهدات و تجارب خود در دفاع از خود دارند. البته این نوع ترس بیشتر در جرائم خیابانی و خشونت‌های خانوادگی مصداق دارد. مرتکبین این نوع جرائم بیشتر مردان هستند که قدرت جسمانی بیشتری دارند. طبیعی است که مردان با توجه به قدرت بیشتر نسبت به زنان، به دنبال بزه دیده مناسب و ایدئال می‌گردند و به همین خاطر بیشتر زنان را هدف جرائم خود قرار می‌دهند. مثلاً زنان در جرائمی چون کیف‌چاپی و آزار و

مزاحمت‌های خیابانی به راحتی می‌توانند بزه دیده واقع شوند و در دفاع از خود ناتوان‌اند. در خشونت‌های خانوادگی همین داستان حکایت دارد، چراکه جرائم خانوادگی بیشتر بین زنان و مردان است، بازهم در این حالت قدرت جسمی مرد بیشتر است و زن بزه دیده واقع می‌شود.

دلیل دیگر ترس بیشتر زنان از جرم ناشی از احساسی بودن و احساسی عمل کردن آنان است. زنان تحت تأثیر این حالت گرایش زیادی برای به یادآوردن تجارب اولیه زندگی و تسری ترسشان به سایر موقعیت‌های زندگی دارند. بنابراین زنان در چنین حالتی بسیار محتاطانه‌تر از مردان عمل می‌کنند، به گونه‌ای که اگر یک نفر (زن) در زندگی قبلاً یک‌بار بزه دیده واقع شده یا اینکه بزه دیدگی دیگران را مشاهده کرده باشد، ترس ناشی از این موقعیت در زن به وجود می‌آید و همواره در موقعیت‌های مختلف زندگی به آن فکر می‌کند و مدام بر ترس زن می‌افزاید در نتیجه باعث محتاطانه عمل کردن زن می‌شود.

از دلایل دیگر، می‌توان به حفاظت کودکان توسط زنان اشاره کرد. کودکان خود به خاطر وضعیت جسمی و سنی در معرض بزه دیدگی هستند. حال زن که در بیشتر مواقع از کودکان مراقبت می‌کند به خاطر این وضعیت (در معرض بزه دیدگی بودن کودکان) ترس مضاعفی از جرم را در دل می‌پروراند که بر نگرانی‌ها ترس زنان می‌افزاید. در معرض تعرض جنسی و مزاحمت قرار داشتن زنان در بیشتر جوامع، از جمله دلایل دیگر است. زنان به خاطر زن بودنشان در بیشتر جوامع، مورد تعرض جنسی، ربودن و مزاحمت‌های خیابانی واقع می‌شوند، به گونه‌ای که می‌توان گفت بسیاری از زنان حداقل یک‌بار مورد مزاحمت‌های خیابانی قرار گرفته‌اند. لذا این موارد نیز بر ایجاد ترس از جرم زنان مؤثر است.

### ب: روابط ارگانیکی و مکانیکی

دورکیم جوامع را به دودسته تقسیم می‌کند. دسته اول همان جوامع اولیه یا جوامع مکانیکی هستند که انسجام درونی ناشی از قدرت و وجدان جمعی ویژگی بارز این جوامع است. یعنی وجدان جمعی روی هم‌رفته یکپارچه است و سرزنش جمعی یا اخطار و تقبیح مردم نقش قوی در انسجام جامعه دارد. در این نوع جوامع همبستگی یا

نوع دوستی قوی است و هر فرد نه تنها برای خود بلکه برای دیگری نیز است، ارزش‌ها یکپارچه است و وظیفه حقوق نیز حفظ این ارزش واحد است. با توجه به اینکه همه در این ارزش واحد سهیم هستند، لذا افکار عمومی در مقابل انحراف و جرم پاسخ می‌دهد. ولی در مقابل، در جوامع ارگانیکی ارزش‌ها متکثر و کار حقوق برقراری تعادل میان ارزش‌هاست و روابط چهره به چهره خیلی کم است. همبستگی بر مبنای مشابهت افراد نیست بلکه بر اساس معیار مکمل یکدیگر بودن است (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد در این دو نوع جوامع، ترس از جرم در جوامع نوع اول (مکانیکی) کمتر و احساس امنیت بیشتر است. زیرا در جوامع نوع اول، روابط چهره به چهره و ارتباطات اجتماعی بین افراد وسیع‌تر و صمیمی‌تر است و احساس تعلق خاطر بیشتری به جامعه می‌کنند. بنابراین دل‌بستگی عاطفی به‌عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه‌ای به شمار می‌رود. چراکه احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود تا افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماعشان قرار دارند و اجتماع به فکر آنان است. اگر افراد احساس کنند که کنترل اجتماعی در محیط اجتماعی محلی‌شان اعمال نمی‌شود، احتمالاً ترس از جرم بیشتری را تجربه خواهند نمود. به عبارت دیگر کنترل اجتماعی بر اساس آرامش و امنیت افراد مؤثر است (فارال و همکاران، ۲۰۰۷).

### پ: تجربه قبلی بزه دیدگی

تجربه قبلی بزه دیدگی می‌تواند برافزایش ترس از جرم افراد تأثیرگذار باشد. پژوهشگران معتقدند سوابق قبلی بزه دیدگی بر ایجاد ترس از جرم مؤثر است. از سوی دیگر بیشترین میزان ترس از جرم را کسانی تجربه می‌کنند که به‌نوعی تجربه بزه دیده جرمی را داشته‌اند. البته بسته به اینکه افراد در گذشته از چه جرمی بزه دیده بوده‌اند، میزان ترس متفاوت است. به این بیان که هر چه جرمی که فرد بزه دیده تجربه نموده، شدیدتر باشد، به همان میزان ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد و برعکس. به‌عنوان مثال بزه دیدگان سرقت‌های مسلحانه و مقرون به آزار، ترس بالایی از بزه دیدگی مجدد دارند، زیرا چنین جرائمی اغلب شدید، همراه با آزار جسمی و روحی و با استفاده از سلاح ارتکاب می‌یابند.



به همین ترتیب بزه دیدگان جرائم جنسی، سرقت از منزل، کیف‌قاپی، آدم‌ربایی، حملات خیابانی و خشونت‌آمیز ترس بیشتری نسبت به بزه دیدگان سایر جرائم دارند. لذا میزان ترس از جرمی که فرد تجربه می‌کند، ترکیبی است از دو عامل درک فرد از شدت جرم و تصور وی در خصوص احتمال بزه دیدگی خویش است.

در نتیجه سوابق قبلی بزه دیدگی بسته به نوع جرم بر میزان ترس افراد تأثیر می‌گذارد و با افزایش ترس از جرم میزان کیفر خواهی نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این افرادی که تجربه قبلی بزه دیدگی داشته‌اند، بزه دیدگی و تجارب خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی علمی به هم‌نوعان خود منتقل می‌کنند، به‌گونه‌ای که ترس از جرم را در این افراد نیز افزایش می‌دهند، بدون اینکه چنین افرادی خود تجربه بزه دیدگی قبلی داشته باشند (سیدزاده‌ثانی، ۱۳۸۷).

### ۳- عوامل اجتماعی

#### الف: طراحی محیطی و انواع آن

همان‌طور که بیان شد در شهرها به خاطر روابط ارگانیکی، ارتکاب جرائم بیشتر و به تبع آن ترس از جرم نیز بیشتر است. ولی در مقابل در مناطق روستایی به خاطر روابط مکانیکی و رودررو و نظارت و کنترل اعضای روستا بر یکدیگر ارتکاب جرائم کمتر است و حمایت آن‌ها از همدیگر ترس از جرم را نیز کاهش می‌دهد. این تفاوت در شهرهای کوچک و بزرگ نیز دیده می‌شود. علاوه بر این نوع طراحی محیط و معماری شهری بر میزان ترس از جرم تأثیر دارد. یعنی روشنایی خیابان‌ها و کوچه‌ها در شب و نبود نقطه‌های کور در آن‌ها میزان بزه دیدگی و ترس از جرم را کاهش می‌دهد.

#### ب: بی‌نظمی‌های اجتماعی

بی‌نظمی در اجتماع منجر به ترس از جرم، کناره‌گیری ساکنان از اجتماع، کاهش میزان کنترل اجتماعی غیررسمی و نهایتاً افزایش فراوانی و شدت بی‌نظمی و جرم می‌شود. از نظر این محققان شاخص‌های ساده بی‌نظمی (مثل پنجره‌های شکسته، افراد ولگرد) اگر مورد توجه قرار نگرفته و به حال خود رها شوند، می‌تواند موجب افزایش جرائم شود.

حضور مست‌ها، ولگردان، اراذل‌واوباش، خانه‌به‌دوشان، جوانانی که در گوشه و کنار خیابان‌ها جمع می‌شوند، محله‌های شلوغ و پرسروصدا، باندهای تبهکاری و... از مصادیق برخی بی‌نظمی هستند. میزان بالای بی‌نظمی‌ها می‌تواند موجب این تصور در افراد شود که محل زندگی‌شان خارج از کنترل و نظارت بوده و هر آن ممکن است جرمی در آن به وقوع بپیوندد.

در این حالت با کنار کشیدن افراد، سطح کنترل اجتماعی غیررسمی افزایش یافته و این امر به نوبه خود موجب بی‌نظمی بیشتر و حتی افزایش جرم می‌شود (هینکل، ۲۰۰۵). بی‌نظمی اجتماعی و به عبارت دیگر فقدان کنترل اجتماعی در احساس امنیت یا ناامنی مؤثر است. کنترل اجتماعی به معنای وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آن‌ها یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها و آداب‌ورسومی منطبق با آنچه گروه مطلوب تلقی می‌کند، سوق می‌دهد (فرانکو و کتجا، ۲۰۰۷).

### پ: رسانه‌ها عامل ایجاد ناامنی

رسانه‌های گروهی یکی از مهم‌ترین منابع کسب اخبار و اطلاعات به شمار می‌روند. مردم بخش زیادی از اطلاعات و اخبار خود را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند و قسمت عمده از فرهنگ پذیری مردم توسط رسانه‌ها انجام می‌شود. به عبارت دیگر رسانه‌های گروهی در تغییر و یا اثرگذاری بر عادات رفتاری و طرز تفکر مردم تأثیر زیادی دارند و به همان میزان رسانه‌ها می‌توانند نگرش و افکار مردم را نسبت به ارتکاب جرائم جهت دهند. گفتیم که وظیفه رسانه‌ها در جامعه، اطلاع‌رسانی است، مطلع کردن مردم از جرائم ارتکاب یافته در جامعه نیز یکی از مصادیق اطلاع‌رسانی است.

ولی رسانه‌ها گاه برای افزایش مخاطب یا فروش بیشتر و یا تحت تأثیر دیدگاه‌های دولتمردان و سیاستمداران، میزان، نحوه و شدت جرائم را به صورت غیرواقعی مورد پوشش خبری قرار می‌دهند. در چنین حالتی رسانه‌ها بیشتر در انعکاس پدیده‌های مجرمانه به صورت گزینشی عمل می‌کنند. این گزینش می‌تواند بر مبنای شاخص‌هایی چون اهمیت پدید مجرمانه، جنسیت و شخصیت بزهکار و به‌طور کلی جرائمی که حساسیت جامعه را برمی‌انگیزد، صورت گیرد چنین عواملی سبب می‌شود که مردم

تصور کنند میزان جرائم بیش از آن چیزی است که واقعاً رخ می‌دهد و در نتیجه باعث افزایش ترس از جرم می‌شود (فرجیها، ۱۳۸۵).

#### ۴- برنامه‌های عملی پلیس باهدف کاهش ترس از جرم

افرادی که در مناطق جرم خیز زندگی می‌کنند، نگرانی ویژه‌ای از جرم و بی‌نظمی در محل زندگی خود دارند و به‌طور دلپره‌آمیزی از جرم می‌ترسند. به این ترتیب در سال‌های اخیر متخصصان علوم پلیسی و جرم‌شناسان بر متمرکز کردن اقدامات امنیتی بر نقاط جرم خیز تأکید کرده‌اند. منطقی به نظر می‌رسد که پلیس برای مهار روند رو به رشد جرائم و برقراری امنیت در میان شهروندان، منابع خود را در نقاطی که بیشترین جرائم در آن‌ها رخ می‌دهند، متمرکز کنند. در این صورت جرائم و مشکلات ناشی از آن در این‌گونه مناطق، کاهش چشم‌گیری خواهد داشت.

طیف گسترده‌ای از تئوری‌های برجسته جرم‌شناسی از قبیل پیشگیری وضعی از جرم، فعالیت روزمره، جرم‌شناسی محیطی، فضاهای قابل دفاع و... به حمایت از امور پلیسی نقاط جرم خیز می‌پردازند. مدافعان رویکرد مکان محور معتقدند که از محیط فیزیکی می‌توان در جهت تأثیرگذاری بر رفتار به‌درستی استفاده کرد، این امر باعث می‌شود درصد وقوع جنایت و ترس از جرم کاهش یابد و در نتیجه به این وسیله کیفیت زندگی نیز بهبود یابد (کلانتری، ۱۳۸۶).

تحلیل کوپر (۱۹۹۵) از اطلاعات مربوط به گشت پلیس در نقاط جرم خیز شهر مینیاپولیس ارتباط قوی میان طول زمان حضور هر گشت پلیس (متوسط ۱۵ دقیقه) و مدت‌زمانی که نقطه جرم پس از ترک صحنه توسط پلیس خالی از جرم باقی می‌ماند، پیدا کرد. هر چه زمان حضور پلیس در نقطه جرم خیز بیش‌تر باشد، زمان طولانی‌تری تا وقوع نخستین جرم و بی‌نظمی، پس از ترک آن وجود دارد. رابطه موجود برای هر دقیقه اضافی حضور پلیس در ۱ تا ۱۵ دقیقه، مستقیم است و پس‌از آن رابطه شروع به وارونه شدن می‌کند. تحقیقات او بیان‌گر آن است که مدت مطلوب حضور یک گشت پلیس در نقاط جرم خیز به‌منظور کاهش جرم، حضور متوسط ۱۵ دقیقه‌ای و سپس ترک آن مکان است. اثربخشی راهبرد تمرکز بر نقاط و ساعات پرجرم برای نیروهای پلیس به

اثبات رسیده است و گشت‌های پیشگیرانه، جدول زمانی خود را بر اساس زمان‌ها و مکان‌های پرجرم تنظیم می‌کنند.

بر اساس این راهبرد تمرکز اقدامات پلیس بر زمان‌ها و مکان‌های پرجرم مؤثرتر از توزیع توان پلیس در تمام نقاط و زمان‌ها است. یکی از مشکلاتی که مأموران گشت‌های پلیسی با آن مواجه هستند آن است که هنگام گشت مجبورند به تماس‌های فوریت‌های پلیسی نیز پاسخ‌گویند که این امر روند گشت‌های آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. امروزه برای مقابله با چنین مشکلی، نیروها را گروه‌بندی می‌کنند. گروهی از نیروها را فقط برای واکنش به تماس‌های ضروری پلیس اختصاص می‌دهند، گروه دیگر را به تماس‌های غیرضروری و گروه سوم را به گشت‌های هدفمند می‌گمارند. در تحقیقی که توسط جیمز تین و همکارانش انجام شد، این روش از یک‌سو موجب افزایش بهره‌وری در واکنش به تماس‌های ضروری شهروندان است و از سوی دیگر تأثیر گشت‌های هدایت‌شده را افزایش داده است. این امور چهره‌ای حرفه‌ای از پلیس در اذهان عمومی ایجاد خواهد کرد و پلیس نهادی پاسخ‌گو شناخته خواهد شد.

در ایران نیز بر اساس خواست شهروندان و نیاز اجتماعی، پلیس در مناطق حاشیه‌ای و جرم خیز، ایستگاه‌های ویژه‌ای را برای استقرار مأموران ایجاد می‌کند. با احداث ایستگاه‌های پلیسی در این مناطق میزان وقوع جرم کاهش چشمگیری می‌یابد. زمان رسیدگی به عملیات با ایجاد این ایستگاه‌ها کاهش یافته و در نتیجه از بروز مشکلات اجتماعی نیز جلوگیری می‌شود.

داده‌های آماری دلالت بر این امر دارند که حجم فراوانی از نرخ ارتکاب جرم مربوط به تکرارکنندگان جرم می‌باشند تا حدی که در برخی موارد حتی ۷۵ درصد آمار جرائم مربوط به افرادی است که سابقه‌ی ارتکاب جرم دارند؛ بنابراین در امور پلیسی تمرکز بر نقاط جرم خیز، توجه و مراقبت از مجرمان با سابقه جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان یک راهبرد در این الگو مطرح می‌شود. به این ترتیب وقتی مجرم سابقه‌داری به نقطه‌ای نقل مکان می‌کند، حضور گشت‌های پلیس را جهت کنترل وی می‌طلبند که این کار از جمله اختیارات پلیس پیشگیری است (آقا غنی زاده و کلانتری، ۱۳۹۰).

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی یک راهبرد با سابقه در کاهش جرم است. این راهبرد به دنبال افزایش امنیت توسعه شهری و کاهش فرصت‌های جرم خیز است. اصل

مهم در پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، همان طراحی مؤثر است که در ساخت محیط به‌کاربرده می‌شود و می‌تواند بزهکاری و ترس از جرم را کاهش دهد. از جمله این طراحی‌ها می‌توان به فراهم نمودن نور مناسب و کافی در خیابان‌ها، نصب علائم و تابلوها در محل‌های پرتردد، حذف مکان‌های بلااستفاده و غیرضروری، کاهش مسیرها و راه‌های کم تردد و مخفی و... اشاره نمود که سهم به‌سزایی در حذف و یا کاهش فرصت‌های جرم، ایفا می‌نمایند.

این امر که آیا ابزارهای مذکور درعین‌حال که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهند، ترس از جرم را نیز کاهش می‌دهند یا خیر، سؤال مهم و بدون پاسخ قطعی است. تقریباً واضح است که ترس از جرم مردم را واداشته تا ابزارهایی جهت پیش‌گیری از جرم مثل آژیرهای خطر، قفل، دوربین‌های مداربسته، سگ و... را به‌کارگیرند؛ اما در این‌که این ابزارها باعث ایجاد احساس امنیت در آن‌ها می‌شود، تردید وجود دارد. مدارک محدودی وجود دارد که این ابزارها به‌جای کاهش ترس از جرم باعث افزایش آن می‌گردد و این‌که بازارهای تبلیغاتی پیشگیری از جرم می‌تواند نگرانی شهروندان را افزایش دهد. این اثرات معکوس ممکن است به‌وسیله صنعت امنیت، در بازار گرمی‌هایش برای تبلیغات و فروش قفل‌ها و آژیرهای خطر و خدمات مرتبط بدتر شود (بابایی و نجیبیان، ۱۳۸۷).

#### الف: بهبود روشنایی خیابان‌ها

روشنایی خیابان، به‌منزله شمشیر دو لبه عمل می‌کند، هم باعث می‌شود که بزهکاران قابل مشاهده شوند و هم این امکان را فراهم می‌کند که آن‌ها، بزه دیدگان و سایر اهداف خود را شناسایی کنند، اما لبه پیشگیری آن تیزتر است. به‌طوری‌که در تحقیقات تأثیر طراحی درست روشنایی فضاهای عمومی در کاهش میزان جرائم و جابه‌جایی جغرافیایی محل جرم به مناطقی که دارای روشنایی نامنظم (مناطق تاریک و روشن) هستند، اثبات شده است.

چنان چه در یک پارک، احتمال این‌که بزه دیدگان از قسمت‌های روشن پارک به بخش‌های تاریک آن کشیده شوند و قربانی جرائمی همچون جیب‌زنی، تجاوز به عنف و یا حتی ضرب‌وجرح شوند، بسیار زیاد است. از آنجاکه ترس از تاریکی احتمالاً عنصر

اساسی و حتی اولیه ترس در بسیاری از افراد است، روشنایی مؤثر می‌تواند تأثیر اطمینان‌آفرینی را در کاهش ترس به همراه داشته باشد. پژوهشی در سال ۱۹۹۰ در بین هزار و دویست و هشت نفر از ساکنان وندسورس لندن، نشان داد که پس از نورپردازی کافی در این منطقه پنجاه‌وشش درصد از اهالی احساس امنیت نسبی، چهل‌ویک درصد احساس امنیت زیاد و پانزده درصد احساس امنیت بسیار زیاد نمودند، آن‌ها علت احساس امنیت خود را رؤیت‌پذیری محیط و آسان‌تر شدن تشخیص هویت دیگران و کم‌تر شدن احساس آسیب‌پذیری می‌دانستند (نیکوکار و همکاران، ۱۳۹۰).

#### ب: دوربین‌های مداربسته

افزودن چشم‌های خیابان به برنامه‌ریزی و طراحی، فرصتهایی را برای مراقبت‌های نامحسوس از مکان‌های رهاشده که ممکن است جرم و جنایت در آن‌ها رخ بدهد، پدید می‌آورد. مردم وقتی در معرض دید هستند، احساس امنیت بیشتری دارند. این یک اصل کلی است که تمامی فضاهای شهری باید به‌گونه‌ای طراحی شود که فرصتهایی برای مراقبت طبیعی افزایش دهند.

همچنین استفاده از ابزارهای مدرن نظارت مانند دوربین‌های مداربسته (CCTV) به‌عنوان نمونه‌ای از پرکاربردترین ابزار رایج در سراسر جهان برای نیل به فضاهای امن به‌ویژه در جاهایی که نظارت طبیعی امکان‌پذیر نیست. فرض بر این است که با ایجاد این حس که محیط تحت نظر است ضریب ایمنی محیط را بالا می‌برد (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹).

#### ج: بازسازی فضاهای عمومی

روش دیگر تغییر محیط جهت کاهش ترس از جرم در اماکن عمومی اصلاح طراحی ساختمان‌ها، بازسازی ساختمان‌ها و مناطق تفریحی است. طراحی محیطی که نظارت رسمی و طبیعی را افزایش دهد، باعث می‌شود که افراد در برابر هجوم و حمله، آسیب‌پذیری کم‌تری داشته باشند. شواهد اثربخشی رویکرد تمرکز بر نقاط جرم‌خیز بر مشاهدات معتبری استوار است. چنین رویکردی اگر باعث جابه‌جایی نقاط جرم‌خیز به مناطق نزدیک این نقاط شود کم‌تر مفید خواهد بود. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که

انتقال مجرمان خطرناک یا جرائم بزرگ به مناطق دیگر، عواقب نامطلوبی به همراه داشته باشد. در صورتی که محاسبه جابه‌جایی جرم پیچیده و بحث‌برانگیز است، تعدادی از مطالعات به بررسی جابه‌جایی جغرافیایی به مناطق مجاور نقاط جرم خیز پرداخته است.

در تجزیه و تحلیل تجربی بازار مواد مخدر شهر نیوجرسی، جابه‌جایی به حدود دو بلوک اطراف نقاط جرم خیز مورد محاسبه قرار گرفت، هیچ جابه‌جایی معناداری در تماس‌های مربوط به جرم و بی‌نظمی یافت نشد. تنها هوپ، گزارش در خصوص جابه‌جایی جرم ارائه کرده است، اگرچه این جابه‌جایی تنها در مناطق مجاور نقاط تحت عملیات پلیس، اتفاق افتاده است، ولی روی هم‌رفته تأثیر جابه‌جایی خیلی کم‌تر از اثر پیشگیری آن بوده است؛ بنابراین اگرچه این امکان وجود دارد که جابه‌جایی تاندازه‌ای رخ دهد بهترین نتیجه را که می‌توان از پلیسی‌گری مسئله محور انتظار داشت، این است که مشکل جابه‌جایی را مدیریت نماید (محمدنسل، ۱۳۸۷).

### نتیجه‌گیری

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد هنگامی که برنامه‌ها برافزایش ارتباط پلیس با جامعه متمرکز می‌شود، سطح ترس از جرم در جامعه کاهش می‌یابد. راهبردهایی نظیر استقرار ایستگاه‌های پلیس در محلات، گشت‌های سواره و پیاده پلیس، سطح نگرانی شهروندان در خصوص احتمال وقوع جرم در محیط اطرافشان را کاهش می‌دهد. مدل پلیسی‌گری مکان محور بر لزوم تمرکز منابع مالی و انسانی پلیس در نواحی آلوده و جرم خیز، تأکید دارد و راهبردهای اصلی خود را در افزایش گشت‌های انتظامی در کانون‌های جرم خیز، تمرکز بر مجرمان شرور و سابقه‌دار تعیین نموده است.

اگرچه این رویکرد پلیس می‌تواند در کاهش میزان جرم و بی‌نظمی موفق باشد اما درجایی که این الگو بدون رهیافت مسئله محوری به کار گرفته شود، نمی‌تواند لزوماً به معنای کنترل و کاهش ترس از جرم باشد. مدل پلیسی‌گری مسئله محور بر لزوم شناسایی دقیق و کامل مشکل ترس از جرم به‌منظور اقدامات متناسب با آن، تأکید دارد و بر این اساس نیز راهبردهای خود را تعیین می‌کند. الگوی مسئله محور، ترس از جرم را یک مسئله مهم می‌داند و با بهره‌گیری از فرایند بررسی، تحلیل، واکنش و ارزیابی،

کاهش ترس را محور اصلی فعالیت‌های خود قرار می‌دهد. از آنجایی که ترس از جرم ماهیتی بسیار پیچیده دارد و بسته به متغیرهایی نظیر مکان، زمان، سن، جنسیت و نژاد، میزان ترس از جرم متفاوت خواهد بود، نمی‌توان یک راهبرد را برای تمام مکان‌ها و زمان‌ها در خصوص مبارزه با ترس از جرم به کار گرفت. از زمان شکل‌گیری پلیس ۱۱۰ و اختصاص شماره‌ای برای نظارت هر چه بیش‌تر به عملکرد پلیس (۱۹۷)، رویکرد جدیدی تحت عنوان پلیس جامعه‌محور در سازمان پلیس شکل گرفت که بر مشارکت پلیس با مردم جهت کاهش جرم، بی‌نظمی و افزایش احساس امنیت، تأکید دارد.

پلیس ۱۱۰ صرفاً یک تاکتیک عملیاتی و کاربردی نیست، بلکه راهبردی اساسی و مهم در فرایند اصلاح امنیت کشور است. نتیجه فوری آن غلبه بر احساس ناامنی است که امروزه گریبان‌گیر جامعه هست و در صورت تداوم منطقی آن این احساس کاهش یافته و امنیت ذهنی مناسبی در جامعه برقرار خواهد شد. توجه به رویکرد جامعه‌محوری در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تعامل و همکاری میان نیروی انتظامی و مردم را افزایش می‌دهد و حاصل توسعه این همکاری اعتماد و اطمینان بیش‌تر شهروندان به پلیس در راستای تأمین امنیت هست، در نتیجه آن‌ها ترس کمتری را احساس خواهند کرد.

پلیس ایران با اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری و از طریق مکانیسم‌هایی همچون افزایش سطح تعامل میان پلیس و جامعه، افزایش سطح اعتماد عمومی به پلیس، افزایش سطح مشارکت مردم در برقراری امنیت و اطلاع‌رسانی، توانسته است علیرغم عدم تغییر محسوس در نرخ جرائم، ترس از جرم را در میان شهروندان کاهش دهد. بزه دیدگان در ساعات اولیه پس از بزه دیدگی نیاز به حمایت و همدردی بیش‌تری دارند و پلیس به‌عنوان اولین نهادی که بزه دیدگان با آن در تماس هستند، نقش مهمی در ایجاد امنیت و آرامش خاطر آن‌ها خواهد داشت.

افزایش حمایت‌های اجتماعی، قضایی، پزشکی، روان‌شناختی و مددکاری نسبت به بزه دیدگان از دو جهت در کاهش احساس ناامنی و ترس از جرم مؤثر است. نخست آن‌که اجرای این برنامه‌ها نسبت به خود بزه دیدگان موجب کاهش آسیب‌های جسمی و روانی آن‌ها شده و با احیای مجدد آن در کاهش احساس ترس آن‌ها مؤثر است. لذا پیشنهاد می‌شود که بیش‌ازپیش به پلیس محله، همیاران پلیس و پلیس افتخاری اهمیت داده و



مستقر نمودن پلیس ویژه در مکان رفت‌وآمد اقشار آسیب‌پذیر (زنان، کودکان، سالمندان) مانند اماکن تفریحی و سرگرمی آن‌ها، پروژه‌های نورپردازی خیابان‌های خلوت و مناطق تاریک باید در دستور کار شهرداری قرارگیری و لازم است در این زمینه پلیس به شناسایی مناطق جرم‌خیز بپردازد.



## منابع

۱. احمدی، توحید، تیموری راضیه، السان، مصطفی، پیشگیری محیطی از جرائم شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره نوزدهم، تابستان ۱۳۹۰.
۲. الیاس زاده مقدم، سید نصرالدین، ضابطیان، الهام، بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری مؤثر در ارتقای امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۳۸۹.
۳. افراسیابی، علی، سلیمان دهکردی، الهام، بزه دیدگی مکرر - مکان‌های جرم خیز و الزامات پیشگیرانه، فصلنامه مطالعات پیشگیری، سال هفتم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۱.
۴. آقا غنی زاده، جهان، کلانتری، محسن، بررسی عوامل محیطی - کالبدی تسهیل‌کننده بزه‌کاری در مناطق شهری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره نوزدهم، تابستان ۱۳۹۰. احمدی، حبیب، سروش، مریم، افراسیابی، حسین، ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز، فصلنامه علمی و پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی ۲، ۱۳۸۸.
۵. بابایی، محمدعلی، نجیبیان، علی، تعامل پلیس با نهادهای جامعه‌ای در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال سوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۸۷.
۶. جاوید، مهدی، جمشیدی، مسلم، بهره‌بر، سروش، بررسی نقش گست مای پیشگیرانه در نقاط جرم خیز در کنترل وقوع جرم، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸.
۷. جاوید، مهدی، جمشیدی، مسلم، بهره‌بر، سروش، بررسی نقش گشت‌های پیشگیرانه در نقاط جرم خیز در کنترل وقوع جرم، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸.
۸. جوان جعفری، عبدالرضا، سید زاده ثانی، سید مهدی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، تهران، نشر میزان

۹. حبیب زاده، محمدجعفر، شریفی، محسن، صادقی عبدالله، تحلیل اثرگذاری راهبردهای نظریه CPTED بر کاهش وقوع جرم، فصلنامه پیشگیری از جرم، سال هفتم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۱.
۱۰. حبیب زاده، محمدجعفر، شریفی، محسن، صادقی عبدالله، تحلیل اثرگذاری راهبردهای نظریه CPTED بر کاهش وقوع جرم، فصلنامه پیشگیری از جرم، سال هفتم، شماره بیست و سوم، تابستان ۱۳۹۱.
۱۱. جوانمرد، بهروز، برآورد هزینه مای اقتصادی و اجتماعی ترس از جرم، مجله تعالی حقوق، سال ۱۳۹۰، ش ۱۳
۱۲. سام، بهروز، غلبه بر ترس، نشریه زبان و ادب فارسی فردوسی شماره ۶۵، ۱۳۸۶
۱۳. سید زاده ثانی، سید مهدی، ترس از بزه دیدگی مکرر، در مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس ناجا، تهران، ۱۳۸۸.
۱۴. عبدالرحمانی، رضا، پلیس اجتماع محور و امنیت محله‌ای (الف)، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره چهارم، ۱۳۸۳.
۱۵. فرجی‌ها، محمد، همت پور، بهاره، تحلیل نحوه بازنمایی بزه دیدگی زنان در روزنامه‌ها، مجله جهانی رسانه، دوره هشتم، شماره پانزدهم، بهار - تابستان ۱۳۹۲.
۱۶. کلانتری، محسن، شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز شهری، مجله اصلاح و تربیت، شماره شصت‌وشش و هفت، مهر - آبان ۱۳۸۶.
۱۷. کلانتری، محسن، هندیانی، عبدالله، نقش ابر کانون‌های جرم خیز در شکل‌گیری الگویی‌های فضایی بزهکاری، فصلنامه مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۹.
۱۸. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن، جنبش مای بازگشت به کیفر در کشورهای غربی، مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۵-۱۶، ۱۳۸۴
۱۹. کوثری، مسعود، سریال مای پلیسی - جنایی، ترس از جرم و آمادگان برای جرم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷
۲۰. محمودی جانکی، فیروز و مرادی حسن‌آبادی، محسن، افکار عمومی و کیفر گرایی، مجله مطالعات حقوقی، ۱۳۹۰
۲۱. مقدسی، محمدباقر، فرجیها، محمد، رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی)، مجله پژوهش مای حقوق تطبیقی ۲، سال ۱۳۹۰.

۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **پیشگیری از بزهکاری و پلیس**، در مجموعه مقالات و سخنرانی‌های پیش همایش، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **پیشگیری از بزهکاری و پلیس**، در مجموعه مقالات و سخنرانی‌های پیش همایش، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم، **جرم‌شناسی تهران**، نشر میزان، سال ۱۳۹۰.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم، **درآمدی بر سیاست جنایی**، نشر میزان، سال ۱۳۹۰.
۲۶. نوروزی، بهرام، افراسیابی، علی، **رویکرد جامعه‌محور به پیشگیری از جرم در ایران**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۸۹.
۲۷. نیکوکار، حمیدرضا، یاراحمدی، مسعود، **تأثیر رویکردهای پلیس سنتی و جامعه‌محور در کاهش ترس از جرم**، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال هفتم، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۱.
۲۸. نیکوکار، حمیدرضا و همت پور، بهاره، **ترس از جرم**، نشر میزان، سال ۱۳۹۱.
۲۹. همتی، رضا، **پلیس جامعه‌محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی**، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم، ۱۳۸۶.
30. Farrall, S. Jackson, J. and Gray, E, **Theorising the Fear of Crime: the Cultural and Social Significance of Feelings of Insecurity**, Published on the Social Science Research Network, 2007, P.9
31. Jonathan Jackson and Maistafford, **Public Health and Fear of Crime**, Advance Access Publication, 2009. p. 836.
32. Hinkle, J.C. “**The impact of disorder on fear of crime: A test of first link of broken windows**”. Department of Criminology and Criminal Justice. Maryland University, 2005. p.58.
33. Franko Aas, Katja, **Globalization and Crime**, Sage Publications Ltd, 2007. P. 322.
34. Braga, Antony, **the crime prevention value of hot spots policing**, *Psicothema*, vol(18), No(3), 2006. p360.

## The effect of the police on the fear of crime and ways to prevent it

Elnaz Ismaili Mand<sup>1</sup>

Received:2022/12/07 Accepted: 2023/02/20

### Abstract

The effect of the police force on increasing or decreasing the fear of crime in the society is an important issue that has been followed by many studies. In fact, this importance is a sociological phenomenon that has complex connections with culture and social system. The presence of the police in society, as law enforcement agents, has wide-ranging effects on fear of crime and personal and social security. By creating physical presence and monitoring the performance of citizens, police forces prevent people from committing crimes and increase the fear of unwanted events in the society. This is important, in areas with a high crime rate, it can increase the confidence of citizens and help them escape from unsafe conditions. On the other hand, some wrong behaviors and actions of the police can intensify the fear of crime and harm the public trust of the society. This can limit people in using their rights and freedoms due to unwanted police intervention. Finally, the effects of the police on fear of crime is a dynamic, complex, and multifaceted factor that requires extensive investigation in different categories of society. A deep understanding of these effects can help formulate policies and strategies to improve security and prevent and reduce crime in communities. This study showed that by conducting research in a descriptive-analytical way, it leads to a deep and broad understanding of such issues, and through this method, it is possible to improve and deepen the policies and strategies of crime prevention.

**Keywords:** police, fear, personal security, crime, punishment, prevention;

---

<sup>1</sup> Master of Criminal Law and Criminology, Azad University, South Tehran Branch, Iran, elnaz310379@gmail.com